

## مسئله مشروعیت در نظریه مردم‌سالاری دینی

### آیت الله خامنه‌ای

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۰/۰۴ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۶/۱۲/۰۵)

محمدباقر خرمشاد<sup>۱</sup>

پرویز امینی<sup>۲</sup>

### چکیده

در اندیشه و نظام‌های مردم‌سالار از جمله مردم‌سالاری دینی، مفهوم «دخال» مردم» هسته مفهومی مشترکی است که مرز نظام‌های مردم‌سالار از نظریه و نظام‌های غیر مردم‌سالار معین می‌کند. وجه مهم مفهوم دخالت مردم، توجیهی است که هر یک از نظریه‌های مردم‌سالار و مردم‌سالاری دینی برای آن می‌آورند و از همین ناحیه می‌توان شاهد قرائت‌های مختلف از مردم‌سالاری بود. مطابق این نوشتار دو دیدگاه کلان درباره توجیه دخالت مردم از موضع «مشروعیت» و نیز از موضع «غیر مشروعیت» وجود دارد که البته هر کدام تقریرهایی متفاوت دارند. در مسئله مشروعیت با دو الگو مواجهیم. الگوی «تک ساحتی» مشروعیت و الگوی «چند ساحتی» مشروعیت که اولی ناظر به بعدی از ابعاد حکومت مانند صلاحیت‌های حاکم یا فرایندهای کسب و اعمال قدرت است و دومی که ناظر به همه ابعاد حکومت از جمله غایات و نیز کارآمدی علاوه بر موارد دوگانه پیش است. در این نوشتار متکی به روش‌شناسی داده بنیاد، موضع آیت الله خامنه‌ای

۱. استاد علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی (نویسنده مسئول) (mb.khorramshad@gmail.com)

۲. استادیار علوم سیاسی دانشگاه شاهد (amini1300@gmail.com)

## Archive of SID

را می‌توان جزو دسته دوم تقریر کرد که مسئله مشروعیت در یک الگوی چند  
ساحتی و ناظر به چهار بعد از ابعاد حکومت مطرح می‌کند.  
کلیدواژه‌ها: مردم‌سالاری دینی، مشروعیت، الگوی تک ساحتی، الگوی چند  
ساحتی، آیت الله خامنه‌ای.

## ۱. مقدمه

در عموم نظریه‌های مردم‌سالاری و به‌خصوص مردم‌سالاری دینی اصل «دخالت مردم» در ساحت تنظیم زندگی جمعی و اجتماعی و نظم سیاسی پذیرفته شده است. در واقع تفاوت نظام‌های مردم‌سالار با نظام‌های یکه‌سالار (استبدادی) و اندک‌سالار (الیگارشی و آریستوکراتیک) در این است که در آن‌ها برخلاف نظام‌های مردم‌سالار که دست‌کم به‌لحاظ نظری عامه یا اکثریت بالایی از مردم را واجد حق و فرصت برای تصمیم‌گیری می‌دانند، تنها یک نفر یا تعداد محدودی امکان و حق دخالت در تنظیم زندگی سیاسی جامعه را دارند.

مفهوم دخالت مردم به‌عنوان هسته مفهومی مشترک همه نظریه‌های مردم‌سالاری، به‌رغم مرزگذاری بین نظام‌های مردم‌سالار با نظام‌های غیر مردم‌سالار آن‌چنان کلی و کلان است که تصویر شفاف و مشخصی از نظریه نمی‌دهد. بنابراین برای ایضاح این مفهوم لازم است که برخی پرسش‌ها مورد توجه قرار گیرد تا صورت‌بندی روشنی از هریک از نظریه‌های مردم‌سالاری و نیز مردم‌سالاری دینی به‌دست آید.

یکی از این پرسش‌ها، نحوه توجیهی است که هریک از نظریه‌ها برای دخالت دادن عامه مردم در تنظیم و اداره جامعه و نظم سیاسی می‌آورد؟ پاسخ به این پرسش در شکل دادن به‌نوع نظریه‌ها در مردم‌سالاری دینی و هر نوع نظریه درباره حکومت مهم و تعیین‌کننده است. به‌خصوص که در این‌باره در جمع قائلان به مردم‌سالاری دینی دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد و هریک توجیه‌های متفاوتی دارند.

## ۲. روش پژوهش

در میان روش‌های کیفی، روش‌های تحلیل و نظریه‌پردازی متن‌محور از جایگاه قابل توجیهی برخوردارند که یکی از پُرکاربردترین آن‌ها روش نظریه‌پردازی



داده بنیاد یا نظریه مبنایی است که برای تکوین یک تئوری درباره موضوع پژوهش به کار می‌رود. «نظریه‌ی مبنایی برخلاف رهیافت قیاسی که با نظریه کلی شروع می‌شود و از فرضیه‌ها برای آزمون تجربی سرچشمه می‌گیرد، کار خود را با مشاهده شروع می‌کند و سپس الگوها، مضامین یا مقوله‌های عام را پیش‌بینی می‌کند (خلیلی شورینی، ۱۳۸۹: ۷۴-۷۳). در این روش داده‌ها در سه سطح کدگذاری باز، محوری و انتخابی مفهوم‌سازی و سپس مقوله‌بندی می‌شوند.

گدها ابزارهای کوچکی برای نام‌گذاری، جداسازی، ترجمه و سازماندهی داده‌ها به‌شمار می‌روند. کدگذاری نیز فرایندی کلیدی در نظریه‌پردازی داده بنیاد است که طی آن داده‌های جمع‌آوری شده، تجزیه و تحلیل شده و نام‌ها و برجسب‌هایی به برخی اجزای آن‌ها اختصاص می‌یابد که از اهمیت نظری یا برجستگی خاصی درباره موضوع مورد بررسی برخوردارند. کدگذاری باز فرآیند تحلیلی است که طی آن مفاهیم شناسایی شده و ویژگی‌ها و ابعاد آن‌ها در داده‌ها کشف می‌شوند. در کدگذاری محوری محقق به دنبال ارتباط دادن خرده مقوله‌ها (شرایط علی، زمینه، راهبردها، شرایط مداخله‌گر و پیامدها) به یک مقوله است. در این مرحله، نظریه‌پرداز داده بنیاد، یک مقوله مرحله کدگذاری باز را انتخاب کرده و آن را به‌عنوان پدیده مرکزی در مرکز فرآیندی که در حال بررسی آن است، قرار می‌دهد و سپس، خرده مقوله‌های یاد شده را به آن ربط می‌دهد (Strauss & Corbin, 1998).

شیوه گردآوری اطلاعات برحسب نوع پژوهش و ابزار انتخابی متفاوت خواهد بود (پورعزت، ۱۳۹۳: ۳۹). برای گردآوری اطلاعات در این پژوهش، روش کتابخانه‌ای مشتمل بر منابعی علمی و تخصصی در زمینه مورد پژوهش، مقالات علمی و پژوهشی، اسناد و مدارک دست اول، آرشیو سازمان‌های رسمی و سایت‌های اینترنتی بررسی شد. در کدگذاری، کلیه اسناد، مدارک و مطالب در

دسترس منسوب به آیت الله خامنه‌ای که از سوی مراجع رسمی انتشار یافته و در دسترس قرار دارند به روش تمام شمار جمع‌آوری و مورد بررسی و متناسب با موضوع تحقیق انتخاب شد و در نهایت نظرگاه آیت الله خامنه‌ای درباره مشروعیت در نظریه مردم‌سالاری دینی وی صورت‌بندی مفهومی شد.

### ۳. پیشینه و نوآوری

در مباحث مربوط به مشروعیت خصوصاً در آراء متفکران دینی مثل مصباح یزدی، جوادی آملی، لاریجانی (صادق و محمد جواد)، سؤال مشروعیت حکومت به مشروعیت حاکم تقلیل پیدا می‌کند و این‌گونه طرح مسئله سبب شده است که این جریان فکری در پذیرش مردم به‌عنوان یکی از شروط مشروعیت دچار چالش باشند.

اگر مردم در مشروعیت حکومت دخالت داشته باشند، باید هر زمان که مردم نخواستند حکومت فقیه عادل واجد شرایط، نامشروع باشد (مصباح یزدی، ۱۳۹۱: ۳۰).

این چالش به دلیل خلطی است که بین مشروعیت حاکم و مشروعیت حکومت صورت می‌گیرد. باید بین مشروعیت حاکم و مشروعیت حکومت تفاوت قائل شد. در بحث مشروعیت حاکم، انطباق ویژگی‌های وی با ارزش‌های مطلوب شارع مورد توجه قرار می‌گیرد، اما در مشروعیت حکومت مثل دیدگاه آیت الله خامنه‌ای سؤال مشروعیت حکومت، محدود به شرایط حاکم نیست و ساحت‌های دیگری از جمله غایات و نیز نحوه تاسیس و استمرار حکومت و حتی کارآمدی نیز مطرح است.

این یکی از نوآوری‌های در طرح مسئله مشروعیت در نظریه مردم‌سالاری دینی آیت الله خامنه‌ای است که اساس مواجهه با مسئله مشروعیت را به‌طور کلی دگرگون می‌کند. دومین نوآوری در این مقاله که تابع مطلب اول است، در

تقسیم‌بندی‌های رایج، از مشروعیت مردمی، مشروعیت الهی و مشروعیت دوگانه الهی - مردمی نام برده می‌شد که در تفسیرهایی که بر نقش مردم در مشروعیت حکومت از نظر آیت الله خامنه‌ای تاکید داشتند، ایشان جزو دسته سوم و مشروعیت دوگانه طبقه‌بندی می‌شد. اما در این نوشتار مشروعیت دوگانه نیست و مسئله مشروعیت واحد است، اما متناسب با شئون مختلف حکومت دارای ساحت‌های مختلف درباره مشروعیت است که از آن تعبیر به مشروعیت چندساحتی شده است. سومین نوآوری به‌روشنی مطالعه بر می‌گردد که متکی بر روش داده بنیاد است.

#### ۴. چارچوب مفهومی

درباره نحوه توجیه دخالت مردم در نظریه‌های مردم‌سالاری دینی، دو دیدگاه کلان وجود دارد. دیدگاه اول بر نحوه توجیه دخالت مردم از موضعی غیر از مشروعیت استوار است که تقریرات گوناگونی دارد. دیدگاه دوم نیز از موضع مشروعیت دخالت مردم را توجیه و مدلل می‌کند.

##### ۴-۱. توجیه از موضع غیر مشروعیت

دست کم چهار تقریر از نحوه توجیه دخالت مردم از موضع غیر مشروعیت وجود دارد.

##### ۴-۱-۱. فعلیت و تداوم نظم سیاسی

یکی از تقریرها در توجیه دخالت مردم در امور و در پیش گرفتن رویه مردم‌سالارانه در اداره کارها به‌دلیل این است که حکومت‌ها بدون مردم فعلیت و تداوم نمی‌یابند و ضرورت شکل‌گیری و تداوم حکومت، توجیه پذیرفتن دخالت مردم در امور است.

۱. ولایت در مرتبه استعداد و صلاحیت (به‌مفهوم آنکه شخص حاکم از

صلاحیت‌های لازم ولایت و حکومت برخوردار باشد)؛

۲. ولایت در مرتبه جعل و اعتبار (به مفهوم آنکه منصب و مقام ولایت از سوی کسی که ولایت برای وی مسلم است، برای حاکم واجد صلاحیت اعتبار گردد)؛  
۳. ولایت در مرتبه سلطه و فعلیت (به مفهوم آنکه قدرت و امکانات به صورت بالفعل از سوی مردم به حاکم واجد صلاحیت واگذار شود) (منتظری، ۱۳۶۷: ج ۱، ۱۷۵).

در این تقریر توجیه دخالت مردم در مرتبه مشروعیت، محلی از اعراب ندارد و مردم برای جامعه عمل پوشاندن آراء ولایت فقیه موضوعیت دارند.

باید در پاسخ این پرسش بگوییم حکومت ولی فقیه نیز چنین است، زیرا ولایت فقیه به منزله ولایت فقه و مکتب بر جامعه است و ولی فقیه خود نیز تحت لوای دین است و حاکمیت ولی همانند آرای او در مقام افتا و مرجعیت نافذ است و پذیرش مردمی، دخلی در حقانیت و مشروعیت آن ندارد، هرچند برای آنکه جامعه عمل بیوشد، پذیرش مردمی از ارکان اصلی آن است (مؤسسه آموزشی - پژوهشی امام خمینی، ۱۳۷۷: ۱۳۰ - ۱۳۱).

#### ۲-۴. کارآمدی نظم سیاسی

برخی دیگر معتقدند با دخالت مردم، استعدادهای فراوان جامعه برای پیشبرد امور به‌صحنه اداره جامعه آورده می‌شوند و این امر به افزایش کارآمدی و کارایی حکومت منجر می‌شود؛ البته بدون آنکه در مشروعیت حکومت نقشی داشته باشد.

رأی مردم نیست که حکومتی را مشروع می‌کند یا نامشروع؛ این امر دایرمدار اوصاف ذاتی آن حکومت است و نسبتی که با کمال انسانی و قرب به کمال نهایی دارد. اما این رأی مردم است که می‌تواند حکومت مشروع (یا نامشروع) را فعلیت بخشد و آن را کارآمد سازد (لاریجانی، ۱۳۸۱: ۳۰).

در این تقریر از توجیه دخالت مردم، به‌رغم این که مشروعیت از ناحیه مردم



نیست، اما نقش مردم در کارآمدی حکومت دینی آن چنان است که بدون قبول و پذیرش آن‌ها با وجود مبارک حضرت علی (ع) نیز نظام اسلامی موفق نخواهد بود (جوادی آملی، ۱۳۷۸: ۸۲-۸۳).

### ۳-۱-۴. مقبولیت (مشروعیت جامعه‌شناختی)

عده‌ای دیگر با این که پذیرش نقش مردم در مرتبه مشروعیت قبول ندارند اما معتقدند نظام اسلامی برای اعمال مطلوب قدرت در جامعه به مقبولیت از ناحیه مردم نیاز دارد. چرا که حاکم اسلامی حق استفاده از زور و تحمیل را ندارد.

انسان، تکویناً آزاد آفریده شده است و هرگز بر پذیرش هیچ حاکمیتی - اعم از الهی یا غیر آن - مجبور نیست. از این رو، نه در اصل دین، رواست؛ (لااکراه فی الدین)؛ بقره (۲)، آیه ۲۵۶ و نه حکومت دینی می‌تواند اجباری باشد؛ هر چند که انسان، تشریحاً باید دین و حاکمیت الهی را بپذیرد (جوادی آملی، ۱۳۸۱: ۲۳).

اتفاقاً تفکیک مشروعیت از مقبولیت از امتیازات مردم‌سالاری دینی نسبت به مردم‌سالاری (سکولار) است. چرا که در مردم‌سالاری غیر دینی، مقبولیت و مشروعیت عین هم هستند و بنابراین بین آن‌ها جدایی و انفکاک نیست. چون مبنای هر دو (مشروعیت و مقبولیت) یک چیز و آن اندیشه انسان‌مدار است.

در مردم‌سالاری، مشروعیت و مقبولیت، تملیک و تملک و مملک و مالک بودن، عین هم است و هیچ تعددی ندارد. دلیل عین هم بودن مشروعیت و مقبولیت، این است که براساس دموکراسی عادی و مادی، بشر باید خود را براساس *أَفْرَأَيْتَ مَنْ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ* (جاثیه: ۲۳) اداره کند.... کسی که مصداق *أَفْرَأَيْتَ مَنْ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ* است، مشروعیت قانون به اندیشه شخصی خود اوست؛ یعنی خود او این‌طور اندیشیده و خودش هماندیش‌هاش را قبول دارد. مشروعیت او عین مقبولیت اوست. اما اگر کسی این‌گونه نیندیشید؛ بلکه با





تمسک به ایه یا آیها النَّاسُ أَنْتُمْ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ (فاطر: ۱۵) این‌طور گفت: من مالک هستی خودم نیستم. خداوند، جهان را آفریده و او شارع است و من هم باید شریعت او را بپذیرم. در این‌صورت، مشروعیت به وحی و نبوت و مقبولیت، به ایمان مردم بر می‌گردد؛ آن می‌شود مشروع و این می‌شود مقبول؛ آن می‌شود مملک (تملیک‌کننده) و این می‌شود مالک» (جوادی آملی، ۱۳۷۸: ۸۶-۸۷).

#### ۴-۱-۴. اضطرار

علاوه بر موارد پیش گفته برخی نیز رجوع به رای مردم را از باب اضطرار و به‌عنوان حکم ثانوی می‌دانند و بنابراین توجیه آن‌ها برای دخالت مردم، از اضطرار ناشی می‌شود که به‌طور طبیعی مثلاً در تعیین گستره و دامنه این دخالت لوازم و پیامدهای خود را دارد که مرز آن همین اضطرار خواهد بود.

در تعیین یا تشخیص ولی فقیه از بین فقهای عادل نمی‌توان به انتخاب مردم تمسک کرد؛ زیرا بر مبنای مشروعیت بلاواسطه الهی، مردم ذی‌حق نیستند تا بتوانند ولی را انتخاب کنند؛ به‌علاوه این‌که مولی‌علیهم در نصب و تعیین ولی، هیچ نقشی ندارند، اما در صورتی که عدم رجوع به رأی مردم و نفی انتخاب، دستاویز دشمنان اسلام و موجب وهن نظام اسلامی تلقی شود، به‌عنوان ثانوی و از باب اضطرار می‌توان به‌نحوی به رأی مردم رجوع کرد (مکارم شیرازی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۵۱۶).

#### ۴-۲. توجیه دخالت مردم از موضع مشروعیت

توجیه پذیرش و رای و نظر مردم ذیل این گزاره فراتر از موارد پیش گفته است و در مشروعیت آن نظم سیاسی دخالت دارد. به‌طوری‌که در نظام مردم‌سالاری دینی، تنها آن فقیه دارای معیارهای اسلامی که به‌نوعی منتخب مردم است، حق حاکمیت بالفعل خواهد داشت.



با انتخاب مردم است که فقیه واجد شرایط رهبری، ولایت پیدا می‌کند. بنابراین اگر در یک زمان صد فقیه دارای شرایط رهبری باشند و یکی از آنان با معیارهای الهی و اسلامی با رأی اکثر مردم یا به‌وسیله خبرگان به ولایت انتخاب شود، فقط همان یک فقیه ولایت و حاکمیت بالفعل خواهد داشت (صالحی نجف‌آبادی، ۱۳۶۳: ۷۲).

### ۵- نظر گاه آیت الله خامنه‌ای در نحوه توجیه دخالت مردم

مطابق روش داده بنیاد به‌عنوان روش پژوهش، کدگذاری باز از مجموعه بحث‌های آن به‌شکل زیر انجام شد و کار اولیه مفهوم‌سازی صورت گرفت.

#### جدول ۱. کدگذاری باز

شناسه	داده	کد (مفهوم)
R۱	در قانون اساسی، توزیع قدرت به‌نحو منطقی و صحیح وجود دارد و همه مراکز قدرت هم، مستقیم یا غیر مستقیم با آراء مردم ارتباط دارند و مردم تعیین کننده و تصمیم گیرنده هستند و اگر مردم حکومتی را نخواهند، این حکومت در واقع پایه مشروعیت خودش را از دست داده است. نظر ما درباره مردم این است	دخالت مردم در مشروعیت نظام سیاسی
R۲	دشمنان ملت ایران می‌دانند که وقتی اعتماد وجود نداشت، مشارکت ضعیف خواهد شد؛ وقتی مشارکت و حضور در صحنه ضعیف شد، مشروعیت نظام دچار تزلزل خواهد شد؛ آن‌ها این‌را می‌خواهند؛ هدف دشمن این است. می‌خواهند اعتماد را بگیرند تا مشارکت را بگیرند، تا مشروعیت را از جمهوری اسلامی بگیرند. این، ضررش به‌مراتب از آتش زدن بانک و سوزاندن اتوبوس بیشتر است. این، آن چیزی است که با هیچ خسارت دیگری قابل مقایسه نیست	نقش مشارکت مردم در مشروعیت اهمیت مشروعیت در جمهوری اسلامی
R۳	یک‌جا در بیست‌ودوم خرداد چهل میلیون نفر پای	دخالت مردم در

شناسه	داده	کد (مفهوم)
	صندوق‌های رأی‌آمده؛ یعنی هشتاد و پنج درصد شرکت مردم در انتخابات؛ این چیز بسیار مهمی است. یقیناً حضور مردم در مشروعیت یک نظام نقش دارد. آن کسانی که در غرب، مشروعیت خودشان را اساساً ناشی از حضور مردم می‌دانند و هیچ عامل دیگری را در آن دخیل نمی‌دانند، آن‌ها یک چنین حضوری را الآن ندارند	مشروعیت نظام سیاسی
R۴	در اسلام آنچه ما به‌عنوان حاکمیت اسلامی شناخته‌ایم و امروز هم بنای کلی این جامعه بر آن قرار دارد، مردم‌سالاری دینی است که با دموکراسی‌های رایج دنیا در بنیاد اختلاف دارد. ریشه مشروعیت رأی مردم در دموکراسی‌های رایج دنیا اساساً با مشروعیت رأی مردم در نظام مردم‌سالاری اسلامی که ما به‌دنبال آن هستیم و آن را حکومت اسلامی و حاکمیت اسلام به‌حساب می‌آوریم، متفاوت است.	تفاوت مشروعیت در مردم‌سالاری دینی با دموکراسی‌های غربی
R۵	مشروعیت این نظام به‌تفکر اسلامی و به استواری بر پایه اسلام است؛ مشروعیت مجلس و رهبری هم بر همین اساس است. امام یک وقت فرمود: «اگر من هم از اسلام روی برگردانم، مردم مرا کنار می‌گذارند» راست هم می‌گفت. مردم امام را به اسلام شناختند؛ به‌خاطر فداکاری و عظمت او در راه اسلام دنبالش راه افتادند، که همه ما، بنده و شما هم همین‌طور هستیم»	تفکر اسلامی عامل مشروعیت‌بخش نظام سیاسی
R۶	یکی از شاخصه‌های حکومت امیرالمؤمنین، برخاسته از اراده مردم و خواست مردم است. «تغلب» - یعنی از راه غلبه و زور بر مردم حاکم شدن - در منطق امیرالمؤمنین نیست.... خودش گفت که اگر مردم نیامده بودند؛ اگر مردم اصرار نمی‌کردند، اگر این طلب جدی مردم نبود، من علاقه‌ای به این کار نداشتم	نفی حکومت بر مردم از راه زور و غلبه
RV	نظام سیاسی در اسلام علاوه بر رأی و خواست مردم، بر پایه	مشروعیت حاکم

شناسه	داده	کد (مفهوم)
	<p>اساسی دیگری هم که تقوا و عدالت نامیده می‌شود، استوار است. اگر کسی که برای حکومت انتخاب می‌شود، از تقوا و عدالت برخوردار نبود، همه مردم هم که بر او اتفاق کنند، از نظر اسلام این حکومت، حکومت نامشروعی است؛ اکثریت که هیچ</p>	<p>با معیار تقوا و عدالت</p>
RA	<p>مشروعیت من و شما وابسته به مبارزه با فساد، تبعیض و نیز عدالت‌خواهی است. این، پایه مشروعیت ماست. الان درباره مشروعیت حرف‌های زیادی زده می‌شود، بنده هم از این حرف‌ها بلدم؛ اما حقیقت قضیه این است که اگر ما دنبال عدالت نباشیم، حقیقتاً من که این‌جا نشسته‌ام، وجود نامشروع خواهد بود؛ یعنی هر چه اختیار دارم و هر چه تصرف کنم، تصرف نامشروع خواهد بود؛ دیگران هم همین‌طور. ما برای عدالت و رفع تبعیض آمده‌ایم. ما آمده‌ایم جامعه را از مواهب الهی خودش - که مهم‌ترین مواهب الهی در عدالت وجود دارد - و هم‌چنین مواهب اخلاقی و معنوی برخوردار کنیم.</p>	<p>غایات حکومت (عدالت) عامل مشروعیت‌ساز و مشروعیت‌زدا</p>
R9	<p>مشروعیت همه ما بسته به انجام وظیفه و کارآیی در انجام وظیفه است. بنده روی این اصرار و تکیه دارم که بر روی کارآیی‌ها و کارآمدی مسئولان طبق همان ضوابطی که قوانین ما متخذ از شرع و قانون اساسی است، بایست تکیه شود. هر جا کارآمدی نباشد، مشروعیت از بین خواهد رفت. این‌که ما در قانون اساسی برای رهبر، رئیس‌جمهور، نماینده مجلس و برای وزیر شرایطی قائل شده‌ایم و با این شرایط گفته‌ایم این وظیفه را می‌تواند انجام بدهد، این شرایط، ملاک مشروعیت برعهده گرفتن این وظایف و اختیارات و قدرتی است که قانون و ملت به ما عطا می‌کند؛ یعنی این حکم ولایت، با همه شعب و شاخه‌هایی که از آن متشعب است،</p>	<p>کارآمدی موثر در مشروعیت تحقق وظیفه موثر در مشروعیت ناکارآمدی مشروعیت‌زداست</p>

شناسه	داده	کد (مفهوم)
	رفته روی این عناوین، نه روی اشخاص. تا وقتی که این عناوین، محفوظ و موجودند، این مشروعیت وجود دارد. وقتی این عناوین زایل شدند، چه از شخص رهبری و چه از بقیه مسئولان در بخش‌های مختلف، آن مشروعیت هم زایل خواهد شد. ما باید به دنبال کارآمدی باشیم. باید هر یک از کسانی که متصدی این مسئولیت‌ها، از صدر تا ساقه، هستند، بتوانند آن‌چه را که برعهده آن‌هاست، به قدر معقول انجام دهند	
R۱۰	در نظام اسلامی قهر و غلبه معنا ندارد؛ قدرت معنا دارد، اقتدار معنا دارد، اما اقتدار برخاسته از اختیار مردم و انتخاب مردم؛ آن اقتداری که ناشی از زور و غلبه و سلاح باشد، در اسلام و در شریعت اسلامی و در مکتب امام معنا ندارد؛ آن قدرتی که از انتخاب مردم به وجود آمد، محترم است.	نفی قهر و غلبه در اعمال حاکمیت
R۱۱	در قانون اساسی، توزیع قدرت به نحو منطقی و صحیح وجود دارد و همه مراکز قدرت هم، مستقیم یا غیر مستقیم با آراء مردم ارتباط دارند و مردم تعیین‌کننده و تصمیم‌گیرنده هستند و اگر مردم حکومتی را نخواستند، این حکومت در واقع پایه مشروعیت خودش را از دست داده است. نظر ما درباره مردم این است	نقش مردم در مشروعیت نظام سیاسی
R۱۲	بعد از این دوران (حضور معصوم) آن‌جایی که یک شخص معینی به عنوان حاکم از طرف خداوند متعال معین نشده است، در این‌جا حاکم دارای دو پایه و دو رکن است: رکن اول آمیخته بودن و آراسته بودن با ملاک‌ها و صفاتی که اسلام بر حاکم اسلامی معین کرده است. رکن دوم قبول و پذیرش مردم است. اگر مردم آن حاکمی را، شخصی را که دارای ملاک‌های حکومت است نشناختند و او را به حکومت نپذیرفتند، او حاکم نیست؛ اگر دو نفر که هر دو دارای این	قبول حاکم از سوی مردم شرط حقیقی حاکمیت است.

شناسه	داده	کد (مفهوم)
	ملاک‌ها هستند، یکی از نظر مردم شناخته و پذیرفته شده، او حاکم است. پس قبول و پذیرش مردم شرط (حقیقی) در حاکمیت است. رهبر آن مجتهد عادل مدیر مدبر صاحب‌نظر صاحب بصیرتی است که مردم او را شناخته باشند... و به او گرایش پیدا کنند و رو بیاورند، اگر مردم چنین کسی را نشناختند، خبرگان امت جستجو می‌کنند، چنین کسی را پیدا می‌کنند، به مردم معرفی می‌کنند. باز در این‌جا هم اولاً خبرگان نمایندگان مردمند. ثانیاً خود مردم بعد از معرفی خبرگان او را می‌پذیرند، بعد او می‌شود امام	
R۱۳	در اسلام مردم یک رکن مشروعیتند، نه همه پایه مشروعیت. نظام سیاسی در اسلام علاوه بر رأی و خواست مردم، بر پایه اساسی دیگری هم که تقوا و عدالت نامیده می‌شود، استوار است. اگر کسی که برای حکومت انتخاب می‌شود، از تقوا و عدالت برخوردار نبود، همه مردم هم که بر او اتفاق کنند، از نظر اسلام این حکومت، حکومت نامشروعی است؛ اکثریت که هیچ	مردم تنها رکن مشروعیت نیستند عدالت و تقوا پایه اساسی مشروعیت
R۱۴	هیچ‌کس در نظام اسلامی نباید مردم، رأی مردم و خواست مردم را انکار کند. حالا بعضی، رأی مردم را پایه مشروعیت می‌دانند؛ لاقلاً پایه اعمال مشروعیت است. بدون آراء مردم، بدون حضور مردم و بدون تحقق خواست مردم، خیمه نظام اسلامی، سرپا نمی‌شود و نمی‌ماند. البته مردم، مسلمانند و این اراده و خواست مردم، در چارچوب قوانین و احکام اسلامی است	رای مردم در اعمال مشروعیت موثر است
R۱۵	در نظام جمهوری اسلامی، اساس حرکت بر پایبندی به مبانی است. آن چیزی که به‌عنوان مبدأ مشروعیت این نظام محسوب می‌شود، یعنی ولایت الهی که منتقل می‌شود به فقیه، مشروط است به پایبندی بر احکام الهی. آن کسی که در رتبه	صلاحیت حاکمان (فقاها و پایبندی به احکام الهی) موثر در

شناسه	داده	کد (مفهوم)
	رهبری نشسته است، اگر نسبت به آرمان‌های اسلامی، نسبت به قوانین اسلامی از لحاظ نظری یا عملی، بی‌قید شود، از مشروعیت می‌افتد و دیگر اطاعت او بر کسی واجب نیست، بلکه جایز نیست	مشروعیت نظام سیاسی است
R۱۶	غیر از مرحله جعل معیارها که بر عهده شارع است، مردم در تطبیق افراد با نظر شارع به‌طور غیرمستقیم و با واسطه و در امر پذیرش حاکم، نقش تعیین کننده و مستقیم دارند.	نقش تعیین کننده مردم در پذیرش حاکم
R۱۷	در الگوی پیشرفتی که با همفکری و تلاش نخبگان تدوین خواهد شد، عدالت به‌عنوان یکی از ارکان اصلی لحاظ شود؛ چرا که در اسلام، عدالت، معیار حق و باطل و ملاک مشروعیت یا عدم مشروعیت حکومت‌ها است	عدالت معیار مشروعیت و عدم مشروعیت

مطابق جدول کدگذاری باز، آیت الله خامنه‌ای از موضع مشروعیت‌بخش، دخالت مردم را در اداره امور جامعه توجیه می‌کند.

در قانون اساسی، توزیع قدرت به‌نحو منطقی و صحیح وجود دارد و همه مراکز قدرت هم، مستقیم یا غیر مستقیم با آراء مردم ارتباط دارند و مردم تعیین کننده و تصمیم گیرنده هستند و اگر مردم حکومتی را نخواهند، این حکومت در واقع پایه مشروعیت خودش را از دست داده است. نظر ما درباره‌ی مردم این است (خامنه‌ای، ۱۲/۴/۷۷).

ایشان هم‌چنین در اهمیت مردم و رای خواست مردم در مردم‌سالاری دینی تاکید می‌کند که کسی حق ندارد این‌ها را انکار کند و در توجیه این اهمیت این‌چنین احتجاج می‌کند که حتی اگر رای مردم پایه مشروعیت نباشد، لاقلاً پایه اعمال مشروعیت که است (خامنه‌ای، ۱۴/۳/۷۸)

آیت الله خامنه‌ای در اهمیت و تاثیرگذاری مشارکت مردم بر روی مشروعیت نظام مردم‌سالاری دینی و نیز اهمیت فی‌نفسه مشروعیت نظام اسلامی معتقد



است که آسیب پذیر شدن مشروعیت ناشی از مشارکت ضعیف مردم با هیچ خسارتی دیگر قابل مقایسه نیست.

دشمنان ملت ایران می‌دانند که وقتی اعتماد وجود نداشت، مشارکت ضعیف خواهد شد؛ وقتی مشارکت و حضور در صحنه ضعیف شد، مشروعیت نظام دچار تزلزل خواهد شد؛ آن‌ها این را می‌خواهند؛ هدف دشمن این است. می‌خواهند اعتماد را بگیرند تا مشارکت را بگیرند، تا مشروعیت را از جمهوری اسلامی بگیرند. این، ضررش به مراتب از آتش زدن بانک و سوزاندن اتوبوس بیشتر است. این، آن چیزی است که با هیچ خسارت دیگری قابل مقایسه نیست (خامنه‌ای، ۸۸/۳//۲۹).

ایشان در فرصت دیگر و پس حضور ۸۵ درصدی مردم در انتخابات سال ۸۸، مجدداً در توجیه دخالت مردم، از موضع مشروعیت سخن گفته‌اند و از همین موضع در نقد دموکراسی‌های لیبرال احتجاج کرده‌اند.

یک‌جا در بیست و دوم خرداد چهل میلیون نفر پای صندوق‌های رأی آمدند؛ یعنی هشتاد و پنج درصد شرکت مردم در انتخابات؛ این چیز بسیار مهمی است. یقیناً حضور مردم در مشروعیت یک نظام نقش دارد. آن کسانی که در غرب، مشروعیت خودشان را اساساً ناشی از حضور مردم می‌دانند و هیچ عامل دیگری را در آن دخیل نمی‌دانند، آن‌ها یک چنین حضوری را الآن ندارند (خامنه‌ای، ۸۹/۱/۱).

با مرور گزاره‌های بالا احتمالاً این انگاره می‌تواند در ذهن شکل بگیرد که بین مردم‌سالاری دینی و دموکراسی‌های رایج غربی و عمدتاً لیبرال تفاوتی در مسئله مشروعیت نیست و هر دو مردم را عامل مشروعیت می‌دانند. این انگاره البته نادرست است و آیت الله خامنه‌ای در شکل‌های مختلف بر تفاوت موضع مردم‌سالاری دینی در مسئله مشروعیت با دموکراسی غربی طرح بحث کرده و به تبیین این تفاوت پرداخته‌اند. ایشان برای تاثیر مردم بر مشروعیت در دو





دیدگاه مردم‌سالاری دینی و دموکراسی غربی معنای متفاوتی قائل است. در اسلام آنچه ما به‌عنوان حاکمیت اسلامی شناخته‌ایم و امروز هم بنای کلی این جامعه بر آن قرار دارد، مردم‌سالاری دینی است که با دموکراسی‌های رایج دنیا در بنیاد اختلاف دارد. ریشه مشروعیتِ رأی مردم در دموکراسی‌های رایج دنیا اساساً با مشروعیتِ رأی مردم در نظام مردم‌سالاری اسلامی که ما به‌دنبال آن هستیم و آن‌را حکومت اسلامی و حاکمیت اسلام به‌حساب می‌آوریم، متفاوت است (خامنه‌ای، ۱۳/۱۲/۸۱).

هم‌چنین ایشان از وجه نظر دیگری به تبیین تفاوت مسئله مشروعیت در مردم‌سالاری دینی و دموکراسی غربی پرداخته‌اند و شائبه همسانی بین این دو نظام در مسئله مشروعیت را زدوده‌اند. ایشان از اسلام و تفکر اسلامی به‌عنوان پایه مشروعیت نظام مردم‌سالاری دینی نام برده‌اند. حتی مشروعیت مجلس و رهبری هم بر همین اساس طرح کرده‌اند:

مشروعیت این نظام به تفکر اسلامی و به‌استواری بر پایه اسلام است؛ مشروعیت مجلس و رهبری هم بر همین اساس است. امام یک‌وقت فرمود: «اگر من هم از اسلام روی برگردانم، مردم مرا کنار می‌گذارند». راست هم می‌گفت. مردم امام را به اسلام شناختند؛ به‌خاطر فداکاری و عظمت او در راه اسلام دنبالش راه افتادند، که همه ما، بنده و شما هم همین‌طور هستیم» (خامنه‌ای، ۷/۳/۸۲).

آیت‌الله خامنه‌ای در گفتاری دیگر مجدداً از همین موضع مسئله مشروعیت در نظام مردم‌سالاری دینی را طرح کرده‌اند؛ به‌شکلی که مبدا مشروعیت را ولایت الهی دانسته که به فقیه منتقل می‌شود و پایبندی به احکام الهی شرط تدوام این مشروعیت است. بنابراین اگر ولی فقیه و رهبری نسبت به آرمان‌ها و قوانین اسلامی از لحاظ نظری و عملی، بی‌قید شود، از مشروعیت می‌افتد و اطاعتش بر دیگران واجب نیست بلکه جایز نیست (خامنه‌ای، ۱۴/۳/۸۵).

بنابر مطلب منقول از ایشان مخاطب ممکن است که بین مواضع آیت‌الله

خامنه‌ای در مسئله مشروعیت احساس پارادوکس و دوگانگی کند؛ اما این احساس پارادوکس ناشی از پیش فرض خاصی است که مخاطب درباره مشروعیت دارد. این پیش فرض بر یک «ساحتی» دیدن مشروعیت استوار است. بنابراین اگر مشروعیت متکی به مردم است، دخالت سایر عوامل و مولفه‌ها در آن باید منتفی باشد و اگر بر عناصری غیر مردم استوار است، توجیه آن بر اساس مردم ناممکن است.

بنابراین لازم است که آیت الله خامنه‌ای در مسئله مشروعیت، از دیدگاه متعارف فاصله داشته باشد و صاحب دیدگاه متفاوتی در این زمینه باشد که چنین شائبه‌ای را از ذهن مخاطب بزداید. بنابراین در ادامه بحث تلاش می‌شود، این دیدگاه به‌خصوص آیت الله خامنه‌ای صورت‌بندی شود.

برای فهم دیدگاه به‌خصوص آیت الله خامنه‌ای در مسئله مشروعیت، مفاهیم استخراج شده در کدگذاری باز در کدگذاری انتخابی برای استخراج مولفه‌ها صورت‌بندی شد.

## جدول ۲. کدگذاری محوری

شناسه	مفهوم	مولفه
R۱	نفی غلبه و زور در کسب و اعمال قدرت + نقش مردم در مشروعیت + مشارکت مردم در مشروعیت + نقش تعیین کننده مردم در پذیرش حکم + قبول حاکم از سوی مردم شرط حقیقی حاکمیت	نقش مردم در مشروعیت از ساحت فرایند کسب و اعمال قدرت
R۲	تفاوت مشروعیت در مردم‌سالاری دینی با دموکراسی‌های غربی به دلیل حاکمیت تفکر اسلامی+تفکر اسلامی عامل مشروعیت‌بخش نظام سیاسی+ مشروعیت حاکم با معیار تقوا و عدالت+مشروعیت حاکم با معیار تقوا و عدالت+مردم تنها رکن مشروعیت نیستند	صلاحیت حاکمان ساحت مشروعیت‌بخش نظام سیاسی

شناسه	مفهوم	مؤلفه
R۳	عدالت معیار مشروعیت و عدم مشروعیت+عدالت و تقوا پایه اساسی مشروعیت+غایات حکومت (عدالت) عامل مشروعیت‌ساز و مشروعیت‌زدا	غایات حکومت موثر در مشروعیت
R۴	کارآمدی موثر در مشروعیت+تحقق وظیفه موثر در مشروعیت+ناکارآمدی مشروعیت‌زداست	کارآمدی ساحتی موثر در مشروعیت

کدگذاری محوری نشان می‌دهد که آیت الله خامنه‌ای از الگوی متفاوتی در مسئله مشروعیت حکومت نسبت به دیدگاه‌های رایج و مشهور برخوردارند و سطوح و ساحت‌های گوناگونی در مسئله مشروعیت موثر می‌دانند. برای تبیین بیشتر و دقیق‌تر بحث ایشان الگوی‌های رایج مورد بحث قرار می‌گیرد.

#### ۴-۱. الگوهای بحث درباره مشروعیت

عمده نظریه‌ها درباره مشروعیت را می‌توان به دو دسته کلان که هرکدام نیز دارای تقریرهای متفاوت‌اند تقسیم کرد.

##### ۴-۱-۱. الگوی تک ساحتی مشروعیت

در الگوی تک ساحتی که فضای متعارف نیز هست، سؤال مشروعیت عمدتاً حول یک ساحت پرسیده و مورد مذاقه قرار می‌گیرد. گاهی این ساحت معطوف به ویژگی‌ها و صلاحیت حاکم و حاکمان طرح می‌شود و مشروعیت حکومت با مشروعیت حاکمان یکسان گرفته می‌شود.

آنچه از روایات موجود در کتاب‌های روایی شیعی استفاده می‌شود این است که در زمان غیبت، فقیهی که واجد شرایط مذکور در روایات باشد، حق حاکمیت دارد و به تعبیر برخی روایات از طرف معصومان (علیهم السلام) به حکومت نصب شده است. مشروعیت حکومت فقها زاینده نصب عام آنان از سوی معصومان است که آنان نیز منصوب خاص از جانب خدای متعال هستند.

از نظر شیعه به همان معیاری که حکومت رسول الله (صلی الله علیه و آله) مشروعیت دارد، حکومت امامان معصوم و نیز ولایت فقیه در زمان غیبت مشروعیت خواهد داشت؛ یعنی مشروعیت حکومت هیچ‌گاه مشروط به رأی انسان‌ها نبوده، بلکه امری الهی و با نصب او بوده است (مصباح یزدی، ۱۳۹۱: ۲۷).

گاهی فرآیندهای کسب و استمرار قدرت، مسئله محوری در سؤال مشروعیت است. در این تلقی عمدتاً حکومتی مشروع است که در فرایند کسب قدرت به صورت اخلاقی رضایت مردم را در تاسیس و استمرار داشته باشد. «در این تلقی مقبولیت عین مشروعیت است. در مردم‌سالاری، مشروعیت و مقبولیت، تملیک و تملک و مملک و مالک بودن، عین هم است و هیچ تعددی ندارد» (جوادی آملی، ۱۳۷۸: ۸۶-۸۷).

و در نهایت کسانی نیز هستند که مشروعیت را معطوف به «کارآمدی» مفهوم سازی می‌کنند و حکومت مشروع از حکومت نامشروع را بر اساس دارایی کارآمدی یا فقدان کارآمدی تحلیل می‌کنند. «مشروعیت، حاصل کارآیی و قاطعیت نظام سیاسی در درازمدت است» (ابوالحمد، ۱۳۵۷: ۲۵۶). یا چنان‌که اودانل، در این باره می‌گوید: «کارآمدی مستمر با گذشت چند نسل، می‌تواند به یک نظام سیاسی، مشروعیت ببخشد. این کارآیی عمدتاً به مفهوم تأمین منافع مادی و اقتصادی و نیز وجود ابزارها و نهادهای لازم برای این کار است (مصلح زاده، ۱۳۸۰: ۷۳۰).

## ۲-۱-۴. الگوی چند ساحتی مشروعیت

اما در نگاه چند ساحتی سؤال مشروعیت معطوف به «حکومت» به معنای اعم مطرح می‌شود و از حکومت مشروع و نامشروع در ساحت‌های گوناگون سخن به میان می‌آید. در واقع حکومت اعم از حاکمان تلقی می‌شود و صلاحیت



حاکمان یک ساحت از مشروعیت حکومت را تشکیل می‌دهد اما ساحت‌های دیگری برای هر حکومت وجود دارد که در مشروع و نامشروع شدن آن موثر است که ما آن را مشروعیت چند ساحتی قلمداد کرده‌ایم. چرا که نمی‌توان مسئله حقانیت یک حکومت را به یک ساحت محدود کرد. در مشروعیت حکومت، علاوه بر صلاحیت حاکم، ایده حکومت، نحوه استقرار و نیز چگونگی استمرار حکومت و حتی اهداف غایی و جهت‌گیری و جهد حکومت در تحقق این اهداف نیز در مشروع بودن و نامشروع بودن حکومت‌ها مؤثرند.

بیتهام از طرفداران لیبرال دموکراسی در کتاب مشروع‌سازی قدرت با نقد نظریه وبر در بحث مشروعیت بیان می‌کند که یکی از اشکالات کار وبر در تعریف مشروعیت این است که مسئله مشروعیت را به «باور به مشروعیت» تقلیل داده است و بنابراین امکان داوری درباره این که این روابط معین قدرت واقعا مشروع است یا مشروع نیست را منتفی کرده است (بیتهام، ۱۳۹۰: ۲۲). از نظر بیتهام کلید درک مفهوم مشروعیت در شناسایی خصلت «چند بعدی» آن است (بیتهام، ۱۳۹۰: ۳۱). و در همین نقطه اشکال دیگری به نظریه وبر در مشروعیت وارد می‌کند که اجزاء چند گانه مشروعیت را تا حد گونه‌های جداگانه و مستقل از یکدیگر و کاملا خودکفا بالا برده است (بیتهام، ۱۳۹۰: ۴۱).

وی سپس با طرح چرایی اهمیت مسئله مشروعیت به‌عنوان بعد اخلاقی و هنجاری مناسبات قدرت، مشروعیت را دارای سه سطح مشخص می‌داند. سه سطحی که قابل جایگزین با یکدیگر نیستند.

۱. با قواعد مستقر سازگار و منطبق باشد.
۲. این قواعد را بتوان از طریق مراجعه به باورهای مشترک فرادست و فرودست توجیه کرد.
۳. شواهد و مدارکی دال بر رضایت تابعان قدرت از یک رابطه قدرت معین

وجود داشته باشد.

جدول ۳. کدگذاری انتخابی

موضوع	ابعاد	مولفه‌ها
الگوی مشروعیت	مشروعیت چند ساحتی	ساحت نقش مردم
		ساحت صلاحیت حاکمان
		ساحت غایات حکومت
		ساحت کارآمدی

با انجام کدگذاری انتخابی می‌توان متوجه شد که الگوی آیت الله خامنه‌ای در مسئله مشروعیت، الگویی چند ساحتی است و مشروعیت یک نظام مردم‌سالاری دینی از ساحت‌های مختلف موضوعیت دارد. در واقع نظر آیت الله خامنه‌ای با توسع بیشتر در الگو مشروعیت چند ساحتی و طبیعتاً معطوف به مشروعیت حکومت به معنای اعم قرار می‌گیرد. ایشان در یکی از بحث‌های خود با تقسیم مراحل حکومت به سه بخش یکی جعل معیارها، دو تطبیق افراد با معیارها و سه پذیرش مردمی حاکم اسلامی، معتقد است غیراز مرحله جعل معیارها که برعهده شارع است، مردم در تطبیق افراد با نظر شارع به‌طور غیرمستقیم و با واسطه و در امر پذیرش حاکم، نقش تعیین کننده و مستقیم دارند (خامنه‌ای، ۱۳۷۶/۱۱/۱۵).

اما از مجموعه بحث‌های ایشان پیداست که دست‌کم مشروعیت حکومت در یک نظام مردم‌سالاری دینی دارای چهار ساحت است. یکی از این ساحت‌ها صلاحیت و ویژگی‌های موردنظر اسلام درباره حاکمان است. به‌طوری‌که چنان چه حاکم مورد اجماع و اقبال همه مردم باشد اما آن شرایط را نداشته باشد، باز حکومتش نامشروع است.

نظام سیاسی در اسلام علاوه بر رأی و خواست مردم، بر پایه اساسی دیگری هم که تقوا و عدالت نامیده می‌شود، استوار است. اگر کسی که برای حکومت



انتخاب می‌شود، از تقوا و عدالت برخوردار نبود، همه مردم هم که بر او اتفاق کنند، از نظر اسلام این حکومت، حکومت نامشروعی است؛ اکثریت که هیچ (خامنه‌ای، ۸۲/۹/۲۶).

یکی از ساحت‌های مشروعیت‌ساز و مشروعیت‌زدا در نظر آیت الله خامنه‌ای، مسئله غایات و اهداف یا جهت‌گیری‌های حکومت است. «در الگوی پیشرفتی که با همفکری و تلاش نخبگان تدوین خواهد شد، عدالت به‌عنوان یکی از ارکان اصلی لحاظ شود، چرا که در اسلام، عدالت، معیار حق و باطل و ملاک مشروعیت یا عدم مشروعیت حکومت‌ها است» (خامنه‌ای، ۱۳۸۹/۹/۱۰).

در این تلقی ضمن نقد و رد مباحث متعارف در حوزه مشروعیت، مشروعیت و عدم مشروعیت حکومت به چگونگی مواجهه با این غایات و جهت‌گیری موکول و منوط می‌شود.

مشروعیت من و شما وابسته به مبارزه با فساد، تبعیض و نیز عدالت‌خواهی است. این، پایه مشروعیت ماست. الان درباره مشروعیت حرف‌های زیادی زده می‌شود، بنده هم از این حرف‌ها بلدم؛ اما حقیقت قضیه این است که اگر ما دنبال عدالت نباشیم، حقیقتاً من که این‌جا نشسته‌ام، وجود نامشروع خواهد بود؛ یعنی هرچه اختیار دارم و هرچه تصرف کنم، تصرف نامشروع خواهد بود؛ دیگران هم همین‌طور. ما برای عدالت و رفع تبعیض آمده‌ایم. ما آمده‌ایم جامعه را از مواهب الهی خودش - که مهم‌ترین مواهب الهی در عدالت وجود دارد - و هم‌چنین مواهب اخلاقی و معنوی برخوردار کنیم (خامنه‌ای، ۱۳۸۲/۶/۵).

کارآمدی و کارایی نظام مردم‌سالاری دینی از دیگر ساحت‌هایی است که آیت الله خامنه‌ای آن‌را دخیل در مشروعیت حکومت می‌داند.

مشروعیت همه ما بسته به انجام وظیفه و کارایی در انجام وظیفه است. بنده روی این اصرار و تکیه دارم که بر روی کارایی‌ها و کارآمدی مسئولان طبق همان ضوابطی که قوانین ما متخذ از شرع و قانون اساسی است، بایست تکیه شود. هر جا کارآمدی نباشد، مشروعیت از بین خواهد رفت. این‌که ما در قانون



اساسی برای رهبر، رئیس‌جمهور، نماینده مجلس و برای وزیر شریعی قائل شده‌ایم و با این شرایط گفته‌ایم این وظیفه را می‌تواند انجام بدهد، این شرایط، ملاک مشروعیت برعهده گرفتن این وظایف و اختیارات و قدرتی است که قانون و ملت به ما عطا می‌کند؛ یعنی این حکم ولایت، با همه شعب و شاخه‌هایی که از آن منشعب است، رفته روی این عناوین، نه روی اشخاص. تا وقتی که این عناوین، محفوظ و موجودند، این مشروعیت وجود دارد. وقتی این عناوین زایل شدند، چه از شخص رهبری و چه از بقیه مسئولان در بخش‌های مختلف، آن مشروعیت هم زایل خواهد شد. ما باید به دنبال کارآمدی باشیم. باید هر یک از کسانی که متصدی این مسئولیت‌ها، از صدر تا ساقه، هستند، بتوانند آن چه را که برعهده آن‌هاست، به قدر معقول انجام دهند (۱۳۸۳/۶/۳۱).

یکی از ساحت‌های دیگری که آیت الله خامنه‌ای در مشروعیت حکومت مردم‌سالاری دینی موثر می‌دانند، فرایندهای کسب، استمرار و اعمال قدرت است. به طوری که تغلب و زور در کسب قدرت - و هر آن چه که از نظر اسلام منفی باشد مثل دروغ و فریب - حکومت را نامشروع می‌کند.

در نظام اسلامی قهر و غلبه معنا ندارد؛ قدرت معنا دارد، اقتدار معنا دارد، اما اقتدار برخاسته از اختیار مردم و انتخاب مردم؛ آن اقتداری که ناشی از زور و غلبه و سلاح باشد، در اسلام و در شریعت اسلامی و در مکتب امام معنا ندارد؛ آن قدرتی که از انتخاب مردم به وجود آمد، محترم است (خامنه‌ای، ۱۳۹۳/۳/۱۴).

بنابراین خواست و اراده و رای و نظر مردم در مشروعیت حکومت موثر است و یکی از ساحت مشروعیت حکومت را شکل می‌دهد.

در قانون اساسی، توزیع قدرت به نحو منطقی و صحیح وجود دارد و همه مراکز قدرت هم، مستقیم یا غیر مستقیم با آراء مردم ارتباط دارند و مردم تعیین‌کننده و تصمیم‌گیرنده هستند و اگر مردم حکومتی را نخواهند، این حکومت در واقع پایه مشروعیت خودش را از دست داده است. نظر ما درباره مردم این است





(خامنه‌ای، ۱۳۷۷/۱۲/۴).

در واقع پارادوکسی بین قبول نقش مردم در مشروعیت و افزون بر آن کارآمدی با معیارهای از قبل مشخص شده برای احراز صلاحیت حاکمان وجود ندارد.

بعد از این دوران (حضور معصوم) آن‌جایی که یک شخص معینی به‌عنوان حاکم از طرف خداوند متعال معین نشده است، در این‌جا حاکم دارای دو پایه و دو رکن است: رکن اول آمیخته بودن و آراسته بودن با ملاک‌ها و صفاتی که اسلام بر حاکم اسلامی معین کرده است. رکن دوم قبول و پذیرش مردم است. اگر مردم آن حاکمی را، شخصی را که دارای ملاک‌های حکومت است نشناختند و او را به حکومت نپذیرفتند، او حاکم نیست؛ اگر دو نفر که هر دو دارای این ملاک‌ها هستند، یکی از نظر مردم شناخته و پذیرفته شده، او حاکم است. پس قبول و پذیرش مردم شرط (حقیقی) در حاکمیت است. رهبر آن مجتهد عادل مدیر مدبر صاحب‌نظر، صاحب بصیرتی است که مردم او را شناخته باشند... و به او گرایش پیدا کنند و رو بیاورند، اگر مردم چنین کسی را نشناختند، خبرگان امت جستجو می‌کنند، چنین کسی را پیدا می‌کنند، به مردم معرفی می‌کنند. باز در این‌جا هم اولاً خبرگان نمایندگان مردمند. ثانیاً خود مردم بعد از معرفی خبرگان او را می‌پذیرند، بعد او می‌شود امام (خامنه‌ای، ۱۳۹۱: ۱۷۰).

بنابراین در نگاه و نظر آیت الله خامنه‌ای چرایی و توجیه دخالت مردم در اداره حکومت مردم‌سالاری دینی به نقشی که خواست و نظر مردم در مشروعیت حکومت دارد بر می‌گردد؛ اما این نقش مردم همه ساحت‌های مشروعیت را پر نمی‌کند بلکه ساحتی از ساحت‌های مشروعیت را تشکیل می‌دهد.

در اسلام مردم یک رکن مشروعیتند، نه همه پایه مشروعیت. نظام سیاسی در اسلام علاوه بر رأی و خواست مردم، بر پایه اساسی دیگری هم که تقوا و عدالت نامیده می‌شود، استوار است. اگر کسی که برای حکومت انتخاب می‌شود، از تقوا



و عدالت برخوردار نبود، همه مردم هم که بر او اتفاق کنند، از نظر اسلام این حکومت، حکومت نامشروعی است؛ اکثریت که هیچ (خامنه‌ای، ۸۲/۰۹/۲).

### نتیجه‌گیری

آیت الله خامنه‌ای، دخالت مردم را در نظام مردم‌سالار دینی از موضع مشروعیت توجیه می‌کند. اما مطابق الگوی چند ساحتی مشروعیت در نظریه مردم‌سالاری دینی آیت الله خامنه‌ای، مردم همه ساحت‌های مشروعیت را پر نمی‌کند بلکه ساحتی از ساحت چهارگانه مشروعیت حکومت معطوف به مردم و نقش آن‌هاست. پیامد مهم دیدگاه آیت الله خامنه‌ای در چند ساحتی دیدن مشروعیت این است که دیدگاه ایشان را از دو دیدگاه کلان در مسئله مشروعیت متمایز می‌کند. در برخی دیدگاه‌ها (علی الاغلب لیبرال دموکراسی) مشروعیت جامعه‌شناختی (مشروعیت ناشی از قبول و پذیرش مردم در فرآیندهای کسب و استمرار قدرت) با مشروعیت فلسفی (مشروعیت ناشی از ویژگی‌ها و صلاحیت حکمرانان و نیز غایات و جهت‌گیری حکومت) یکی و یکسان گرفته می‌شود و در دیدگاه مخالف و برعکس آن، این دو از یکدیگر تفکیک می‌شود و مشروعیت جامعه‌شناختی با مقبولیت یا فعلیت یا کارآمدی مترادف می‌شود و مشروعیت به ساحت فلسفی محدود می‌شود. اما در دیدگاه آیت الله خامنه‌ای ضمن تفکیک و تمایز بین دو ساحت مشروعیت جامعه‌شناختی و مشروعیت فلسفی، یکی به نفع دیگری کنار گذاشته نمی‌شود. بلکه این دو حوزه مشروعیت بسان دو روی یک سکه‌اند و مشروعیت یک حکومت با برخورداری از همه ساحت آن حاصل می‌شود؛ به طوری که هریک وجهی و ساحتی از مشروعیت را نمایندگی می‌کنند و با از دست رفتن مشروعیت در هر کدام از این ساحت‌ها، مشروعیت نظام مردم‌سالار دینی، دچار چالش می‌شود.



## منابع

### الف) فارسی

- ابوالحمد، عبدالحمید (۱۳۵۲)، *مبانی سیاست*، چاپ دهم، تهران: توس.
- افروغ، عماد (۱۳۸۰)، *چالش‌های کنونی ایران*، تهران: سوره مهر.
- بازرگان، مهدی (۱۳۷۶)، *آخرت و خدا هدف بعثت انبیاء*، تهران: رسا.
- بیتنام، دیوید (۱۳۹۰)، *مشروع‌سازی قدرت*، ترجمه محمد عابدی اردکانی، چاپ دوم، یزد: انتشارات دانشگاه یزد.
- حائری یزدی، مهدی (بی‌تا)، *حکمت و حکومت*، بی‌نام، بی‌جا.
- خمینی، سید روح‌الله (۱۳۷۹)، *صحیفه امام*، جلد ۶، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- خنجی اصفهانی، فضل‌الله روزبهان (۱۳۶۲)، *سلوک الملوک*، به تصحیح و مقدمه محمدعلی موحد، تهران: خوارزمی.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۸)، *سیاست متعالیه از منظر حکمت متعالیه*، نشست‌ها و گفت‌وگوها، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۱)، *نسبت دین و دنیا، بررسی و نقد نظریه سکولاریزم*، چاپ دوم، قم: مرکز نشر اسراء.
- دال، رابرت (۱۳۶۴)، *تجزیه و تحلیل جدید سیاست*، ترجمه حسین ظفریان، تهران: نشر مترجم.
- روسو، ژان ژاک (۱۳۴۱)، *قرارداد اجتماعی*، ترجمه غلامحسین زیرک‌زاده، چاپ چهارم، تهران: سهامی چهر.
- صالحی نجف‌آبادی، نعمت‌الله (۱۳۶۳)، *ولایت فقیه، حکومت صالحان*، تهران: مؤسسه فرهنگی رسا.
- عالم، عبدالرحمان (۱۳۷۶)، *بنیادهای علم سیاست*، تهران: نشرنی.
- کواکبیان، مصطفی (۱۳۷۸)، *مبانی مشروعیت در نظام ولایت فقیه*، تهران: عروج.



- لاریجانی، محمدجواد (۱۳۸۱)، تدوین، حکومت و توسعه، تهران: مؤسسه فرهنگی اندیشه معاصر.
- لاریجانی، صادق (۱۳۸۱)، «مبانی مشروعیت حکومت‌ها»، فصلنامه الهیات و حقوق، شماره ۳.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۱۱)، *انوار الفقاهه (کتاب البیع)*، جلد اول، قم: مدرسه امیرالمومنین (ع).
- منظری، حسینعلی (۱۳۸۶)، *مبانی فقهی حکومت اسلامی*، جلد هشتم، ترجمه و تقریر محمود صلواتی، تهران: سرایی.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۱)، *پرسش‌ها و پاسخ‌ها*، جلد اول، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- معین، محمد (۱۳۶۴)، *فرهنگ فارسی*، تهران: مؤسسه امیرکبیر.
- وینست، اندرو (۱۳۹۲)، *نظریه‌های دولت*، ترجمه حسین بشیریه، چاپ یازدهم، تهران: نشرنی.

سایت‌ها

<http://khamenei.ir>.